

عدم مداخله در رفتار مجرمانه و تحمیل مسئولیت کیفری: مسئولیت بر پایه اقدام براساس هدف مشترک در حقوق بین الملل و ایران

(مقاله علمی - پژوهشی)

محمد یکرنگی *

یاسمن خادمی شورمستی **

فائزه شعبانی حمیدآبادی ***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۴

چکیده

دکترین «اقدام براساس هدف مشترک» نوعی خاص از مسئولیت کیفری است که در جریان دادرسی‌های دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق ایجاد شد. این مفهوم، همه افراد مداخله‌کننده در یک گروه را که برای تحقق و پیشبرد یک هدف مجرمانه مشترک و توافق‌شده تلاش می‌کنند، به یک‌میزان و همسان مباشر اصلی جرم مسئول می‌داند. با وجود به رسمیت‌شناختن این نوع خاص از مسئولیت، اقدام براساس هدف مشترک، با مسائل مهمی در رکن مادی و روانی مواجه است؛ از جمله اینکه چگونه می‌توان از منظر کیفری بر فردی که در عنصر مادی جرم هیچ‌گونه دخالتی نداشته و فراتر از آن، فاقد وضعیت ذهنی و روانی مقتضی نیز بوده، مسئولیتی هم‌پایه مباشر تحمیل کرد و او را مجازات نمود. به علاوه، این امر نیز حائز اهمیت است که آیا این نوع مسئولیت تنها به جرائم بین‌المللی محدود می‌گردد یا در جرائم داخلی و نظام حقوقی ایران نیز با اقبال روبه‌رو شده است. از این‌رو، پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی تحلیلی درصدد تبیین مسائل فوق بوده است و درنهایت چنین نتیجه‌گیری می‌نماید که به‌رغم تعارض ظاهری دکترین «اقدام براساس هدف مشترک» با اصول حقوق کیفری، توجیه این نوع مسئولیت امکان‌پذیر بوده و در حقوق ایران با جرائمی همچون بغی، تاحدودی می‌تواند تطبیق یابد.

کلیدواژگان:

هدف مجرمانه مشترک، مسئولیت کیفری، شرکت در جرم، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت، بغی.

* استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

Yekrangi@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

Y.khademi@ut.ac.ir

*** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران

Shabany@ut.ac.ir

مقدمه

مسئولیت کیفری در میان مباحث حقوق کیفری ماهوی مدرن از چنان جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که می‌توان با اندکی تسامح، موضوع حقوق کیفری ماهوی را مسئولیت کیفری دانست؛ زیرا جرم و مجازات هر دو پیوند ناگسستنی‌ای با آن دارند و یکی در شمار مقتضیات و دیگری اثر آن دانسته می‌شود. باین‌حال، مسئولیت کیفری از مسیر یکسانی عبور نکرده است. از زمانی که در دوران باستان درختان و اشیای بی‌جان را مجازات می‌کردند و از مسئولیت کیفری به‌عنوان امری برپایه اخلاق، ردپایی در حقوق کیفری نبود،^۱ تا زمانی که با ورود اراده و مباحث اخلاقی به حقوق کیفری، انسان موضوع مسئولیت کیفری قرار گرفت، آشکال این مسئولیت متفاوت بوده است. به‌گونه‌ای که پس از حذف اشیا و حیوانات از حوزه حقوق کیفری، تا اوایل قرن بیستم، تنها انسان موضوع مسئولیت کیفری بود و آشکال خاصی برای این نوع مسئولیت وجود داشت که مباشرت، تسبیب و معاونت مصادیق رایج آن بودند.

با ورود به قرن بیستم دو تحول بزرگ رخ داد که نخست، ورود اشخاص حقوقی به حوزه مسئولیت کیفری بود و دوم، شناسایی مسئولیت کیفری برپایه «اقدام براساس هدف مشترک»^۲ برای گروهی بود که هرچند شخصیت حقوقی ثبت‌شده نبودند، اما در قالب طرحی توافق‌شده و هویتی واحد، برای هدفی مشترک تلاش می‌کردند. دکترین ابداعی اقدام براساس هدف مشترک در رویه قضایی بین‌المللی اگرچه در جریان رسیدگی به پرونده تادیچ^۳ توسط دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق^۴ ایجاد شد، سابقه آن به مفهوم «تبانی» و «طرح مشترک» در منشور دادگاه نورمبرگ و توکیو در رسیدگی به محاکمات پس از جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد.^۵ پس از پرونده تادیچ، باوجود مناقشات بسیار بر سر انواع اقدام براساس هدف مشترک و تطابق آن

1. Evans, E. P. *The criminal prosecution and capital punishment of animals*. William Heinemann, 1906, pp. 168-170.

در این کتاب، داستان قتل خوک‌ها و گاوها تا قرن ۱۶ و ۱۷ در اروپا، به‌عنوان کیفر خود حیوان به‌دلیل رفتارهایش نقل می‌شود.

2. Joint Criminal Enterprise (JCE).

3. Tadic

4. ICTY

5. Jayangakula, K. *Is the Doctrine of Joint Criminal Enterprise a Legitimate Mode of Individual Criminal Liability? – A Study of the Khmer Rouge Trials*. Master of International Human Rights Law. Lund University, 2010, pp. 11-12.

با اصل قانونی بودن جرم و مجازات و همچنین، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، این مفهوم بارها در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در پرونده‌هایی، از جمله کرستیچ،^۱ میلوسویچ،^۲ سمیچ و دیگران^۳ و همچنین در دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا^۴ در پرونده روماکوبا^۵ مورد استناد قرار گرفت.^۶

این دکتین در زمان شکل‌گیری، در اساسنامه دو دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا وجود نداشت و قضات با تفسیر خود از بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق^۷ و با استناد به وجود این مفهوم در عرف بین‌المللی (باتوجه به محاکمات پس از جنگ جهانی دوم)^۸ آن را به رسمیت شناختند. دیوان کیفری بین‌المللی نیز در بند (d)(۳) ماده ۲۵ اساسنامه خود اگرچه صریحاً نامی از این دکتین نبرده است، از فعالیت مجرمانه گروهی از افراد بنا بر یک طرح مشترک یاد کرده که تا حد زیادی با مفهوم فوق مطابقت دارد. آنچه موجب شد تا محاکم فوق، چنین مفهومی را در خصوص جرائم بین‌المللی به‌کار گیرند، آن بود که جرائم بین‌المللی برخلاف اکثر جرائم داخلی که در سطح خرد و به‌صورت فردی واقع می‌شوند، اصولاً توسط یک فرد به‌تنهایی ارتکاب نمی‌یابند، بلکه به‌دلیل ماهیت بین‌المللی خود و گستردگی اقدامات، به‌صورت گروهی و با مشارکت تعدادی از افراد و اغلب به‌نحو برنامه‌ریزی‌شده، سازمان‌یافته و نظام‌مند به نتیجه می‌رسند.

اقدام براساس هدف مشترک به معنای آن است که فارغ از نقش هر فرد در به‌نتیجه‌رسیدن جرم نهایی، همه اشخاص به یک عنوان تعقیب و مجازات شوند.^۹ طبق دکتین مذکور، شخصی که در عملیات مادی جرم هیچ نقشی ندارد و آن را انجام نداده است، مسئولیتی هم‌سنگ با مباشر می‌یابد. از طرف دیگر، در برخی شقوق اقدام براساس هدف مشترک نه‌تنها عملیات مادی،

1. Krstic
2. Milosevic
3. Simic and others
4. ICTR
5. Rwamakuba

۶ جانی‌پور، مجتبی و معصومه لادمخی، مفهوم موسع اقدامات مجرمانه مشترک در حقوق کیفری بین‌المللی، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، ۱۳۹۳، شماره ۶، ص ۱۴۴.

7. Prosecutor v. Dusko Tadic, IT-94-1-A, Appeal Judgment. (Int'l Crim. Trib. for the Former Yugoslavia July. 15, 1999, para. 189.

8. Ibid, para. 195.

9. Cryer, R. et al. *An introduction to international criminal law and procedure*. Cambridge University Press, 2010, p. 372.

بلکه هیچ عنصر روانی‌ای نیز در شخص مسئول وجود ندارد و درواقع، مسئولیتی هم‌پایه‌ی مباشر بر کسی بار می‌شود که نه تنها عنصر مادی، بلکه عنصر روانی را نیز دارا نبوده است. این مسئله باعث چالش‌هایی در حقوق کیفری شده است؛ چراکه در بادی امر، این دکترین با اصول بنیادین حقوق کیفری، از جمله اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری مغایر به نظر می‌رسد. از طرف دیگر، علاوه بر حقوق بین‌الملل کیفری، نمودهایی از این نوع مسئولیت در حقوق کیفری ایران نیز یافت می‌شود که بر اهمیت موضوع افزوده است. از این رو، شایسته است مشخص شود قانون‌گذار و البته دکترین حقوقی، در چه جرائمی به سمت این نوع مسئولیت ولو بدون ذکر عنوان آن گرایش یافته‌اند. به همین دلیل، نوشتار حاضر در سه بخش، ابتدا به تبیین این نوع مسئولیت و شناسایی انواع آن اقدام نموده (۱) و سپس در بخش دوم به تحلیل این نوع مسئولیت و ارزیابی آن در سنجه اصول حقوق کیفری و ارزیابی نواقص و مزایای این نوع مسئولیت می‌پردازد تا قابلیت توجیه یا عدم آن مشخص گردد (۲). در نهایت نیز با رویکردی توصیفی تحلیلی به حقوق کیفری ایران پرداخته می‌شود تا آشکار گردد که چه جایگاهی می‌توان برای دکترین اقدام براساس هدف مشترک در این نظام در نظر گرفت (۳).

۱. مفهوم و گونه‌شناسی مسئولیت کیفری بر پایه اقدام براساس هدف مشترک

از نظر تاریخچه، خاستگاه اقدام براساس هدف مشترک که از آن به «طرح مشترک»^۱ نیز یاد می‌شود، به محاکمه «دوسکو تادیچ» در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در سال ۱۹۹۹ بازمی‌گردد. تادیچ به همراه چند تن دیگر به عنوان اعضای یک گروه مسلحانه در سال ۱۹۹۲ با داشتن یک طرح قبلی به دهکده جاسکیسی در بوسنی و هرزگوین حمله کردند و مطابق برنامه به ضرب و جرح تعدادی از افراد دهکده روی آوردند. در این بین، اعضای دیگر گروه، پنج نفر از اهالی دهکده را به قتل رساندند. دادگاه بدوی در رسیدگی خود به دلیل فقدان ادله‌ای که حاکی از شرکت عامدانه تادیچ در قتل آن پنج نفر باشد، وی را تبرئه کرد. اما پس از آن، شعبه تجدیدنظر با تفسیر خود از بند ۱ ماده ۷ اساسنامه این دادگاه، با ارائه تعریفی از مفهوم اقدام براساس هدف مشترک، تادیچ را برای ارتکاب قتل مسئول شناخت. مطابق نظر دادگاه، از آنجایی که تادیچ به عنوان عضو فعال گروه به منظور پاکسازی دهکده از صرب‌ها با سایر اعضا به دهکده

1. Common Plan

حمله کرده و در جریان حمله و پاک‌سازی، احتمال قتل تعدادی از اهالی قابل‌پیش‌بینی بوده،^۱ هرچند وی شخصاً در قتل مداخله نداشته است، به‌عنوان مرتکب اصلی قابل‌مجازات بوده است.^۲ به‌طور کلی، باتوجه به رویه دادگاه، این دکترین به مسئولیت کیفری یکسان افرادی اشاره دارد که با یکدیگر متعاقب یک هدف یا طرح مجرمانه مشترک اقدام می‌کنند؛ فارغ از آنکه به چه میزان در به‌نتیجه‌رساندن هدف مشترک، مداخله و مشارکت داشته‌اند.^۳ این مفهوم ممکن است در نگاه نخست، به‌عنوان یک جرم خاص فهمیده شود، اما اقدام براساس هدف مشترک درحقیقت، شکلی از مسئولیت کیفری است که فرد از رهگذر آن به ارتکاب یک جرم بین‌المللی محکوم می‌گردد.^۴ تعریفی که ارائه شد، اگرچه موجب درکی کلی از این دکترین می‌گردد، اما نمی‌تواند بیان‌کننده تمامی ارکان انواع سه‌گانه این مفهوم باشد. باین‌حال، وجه مشترک رکن مادی تمامی مدل‌های آن را می‌توان موارد زیر دانست:

- «وجود گروهی از افراد بدون لزوم وجود یک ساختار نظامی یا اداری.
- وجود طرح، برنامه یا هدف مشترک برای ارتکاب عملی مجرمانه بدون نیاز به توافق قبلی اعلام‌شده؛ اگر از مجموع وقایع و اوضاع‌واحوال بتوان گفت که افراد برای رسیدن به هدفی واحد در تلاش هستند، هدف قابل‌احراز است.
- مداخله متهم در راستای رسیدن به هدف مشترک بدون نیاز به ارتکاب جرمی مشخص از سوی وی که حتی در قالب کمک و همکاری نیز محقق می‌شود».^۵
- با وجود این سه عنصر مشترک، حقوق بین‌الملل کیفری به‌دلیل برخی تفاوت‌ها، مسئولیت برپایه این دکترین را به سه مدل تقسیم کرده است.

1. Prosecutor v. Dusko Tadic, op.cit. para. 232.

2. Cassese, A. "The proper limits of individual responsibility under the doctrine of joint criminal enterprise." *Journal of International Criminal Justice*, 5(1), 2007, p. 129.

3. Olasolo, H. "Joint criminal enterprise and its extended form: A theory of co-perpetration giving rise to principal liability, a notion of accessorial liability, or a form of partnership in crime?". In *Criminal Law Forum*, Vol. 20, No. 2-3, 2009, p. 269.

۴. یوسفیان شوره‌دلی، بهنام، **کانون مشترک مجرمانه: جست‌وجوی توصیف مناسبی برای جنایتکاران بین‌المللی فراسوی مباشرت مادی**، تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۳، شماره ۶۸، ص ۲۶۹.

5. Prosecutor v. Dusko Tadic, op.cit. para. 227.

۱.۱. مدل بنیادین^۱

در مدل بنیادین، افراد، متعاقب یک هدف یا طرح مشترک که مورد توافق همه آنهاست، اعمالی را انجام می‌دهند تا جرم مورد نظر به نتیجه برسد. در کنار عنصر مادی لازم، عنصر روانی ضروری برای این نوع مسئولیت اولاً، آگاهی تک‌تک اعضای گروه از وجود یک هدف مشترک است که این هدف می‌تواند از پیش و صریحاً مورد توافق اعضا قرار گیرد یا اینکه در جریان اقدامات به نحوی ضمنی با توجه به اوضاع و احوال قابل برداشت باشد. ثانیاً، تمامی اعضا باید به طور ارادی خواهان رسیدن به جرم نهایی بوده و با قصد به نتیجه رساندن آن هدف مشترک، اعمال خود را انجام دهند.^۲

۱.۲. مدل نظام‌مند^۳

این مدل را می‌توان نوعی از مدل بنیادین دانست، با این تفاوت که در مدل اول لزومی به وجود یک ساختار نظامی یا اداری دارای سلسله‌مراتب برای به نتیجه رساندن هدف مشترک نیست و صرف گردهم آمدن گروهی از افراد و فعالیت آنها به هر نحو است که برای پیشبرد هدف مشترک ضروری می‌نماید. لکن در مدل نظام‌مند، اساساً با یک واحد منظم و سازمان یافته روبه‌رو هستیم که همه افراد این ساختار، بنا به وظیفه و نقشی که برعهده گرفته‌اند، به ارتکاب جرم نهایی کمک می‌کنند. مصداق بارز این مدل، اردوگاه‌های سوء رفتار با اسرا و بازداشتگاه‌های غیرقانونی^۴ است که در پرونده میروسلاو کواکا^۵ در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق مشهود است. کواکا، افسر عالی‌رتبه در کمپ اومارسکا^۶ بود و هدایت نیروها را برعهده داشت. وی علی‌رغم آگاهی از سوء رفتار، شکنجه و قتل‌هایی که توسط افراد کمپ علیه غیر صرب‌ها صورت می‌گرفت، با تشویق و تصدیق خود به پیشبرد این هدف در کمپ کمک می‌کرد.^۷

1. Basic Form

2. Ibid, para. 228.

3. Systematic Form

4. Concentration or Detention Camp

5. Miroslav Kvočka

6. Omarska

7. Prosecutor v. Miroslav Kvočka, et al, IT-98-30/1-A, Appeal Judgment. (Int'l Crim. Trib. for the Former Yugoslavia Feb. 2, 2005, para. 3.

۱.۳. مدل توسعه یافته^۱

در دو مدل بنیادین و نظام‌مند، هسته اصلی‌ای که موجب مسئولیت مرتکبان می‌گردد، آگاهی کامل آنها از وجود یک هدف مشترک و توافق شده است که فعالیت داوطلبانه و اختیاری آنان را در به نتیجه رساندن این هدف در پی دارد. بنابراین، افراد تنها به دلیل هدف مجرمانه‌ای که کاملاً نسبت به آن اشراف و آگاهی و مستقیماً قصد عملی کردن آن را داشته‌اند، مسئول شناخته می‌شوند. لیکن در مدل توسعه یافته، افراد می‌توانند به دلیل آنچه فراتر از طرح و هدف مشترک و به منزله پیامد طبیعی آن توسط برخی از اعضا ارتکاب می‌یابد، نیز به عنوان مرتکب اصلی، مسئول دانسته شوند. باین حال، هریک از این مدل‌ها با چالش‌هایی در رکن مادی و روانی مواجه‌اند که نیازمند تدقیق و توجیه است.

۲. تحلیل مسئولیت کیفری بر پایه اقدام براساس هدف مشترک

دکترین اقدام براساس هدف مشترک از زمان ایجاد تاکنون، نه تنها در حوزه حقوق بین‌الملل، بلکه در حیطه حقوق داخلی کشورها نیز یکی از بحث‌برانگیزترین نظریات بوده است.^۲ از مهم‌ترین نقدهای وارده بر مسئولیت در قالب اقدام براساس هدف مشترک در زمان ایجاد آن، مغایرت این مفهوم با اصل مهم حقوق جزا، یعنی اصل قانونی بودن مجازات بود؛ چراکه این دکترین برای اولین بار در جریان رسیدگی به محاکمات دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و با تفسیر اصل ۷ اساسنامه این دادگاه، رجوع به حقوق عرفی و رویه قضایی بین‌المللی، به ویژه محاکمات پس از جنگ جهانی دوم ایجاد شد و این درحالی بود که بسیاری اعتقاد داشتند این نوع مسئولیت علاوه بر آنکه در اساسنامه این دادگاه تصریح نشده، حتی در حقوق عرفی نیز منشأی ندارد و بنابراین قابل استناد نیست.^۳ مناقشات پیرامون مغایرت یا عدم مغایرت این نهاد با اصل قانونی بودن در زمان به کارگیری آن در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا بسیار است، اما از آنجایی که مقصود این نوشتار تحلیل ماهیت این دکترین است، به چالش اصلی پیش روی نوشتار حاضر، یعنی بحث عنصر مادی و روانی مربوط به دکترین فوق، پرداخته می‌شود.

1. Extended Form

2. See: R v Powell and Daniels; R v English [1999], United States v. Pinkerton [1946].

3. Manacorda, S., & Meloni, C. "Indirect perpetration versus joint criminal enterprise: Concurring approaches in the practice of international criminal law?" *Journal of international criminal justice*, 9(1), 2011, p. 166.

۲.۱. عنصر مادی

در بحث عنصر مادی دو ایراد عمده وارد شده است: نخست، چه توجیهی وجود دارد که علی‌رغم انجام رفتارها و وظایف گوناگون در یک طرح مشترک در سطوح مختلف، همه اعضا در نهایت به یکسان و به‌مانند مباشر اصلی جرم مسئولیت یابند؟ دوم، آیا این نوع مسئولیت به‌واسطه فقدان رفتار مجرمانه مستقیم، برخلاف اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است یا خیر؟

در دکتترین اقدام براساس هدف مشترک آنچه اهمیت دارد، این است که فرد در راستای طرح و هدف مجرمانه‌ای که در خصوص آن با اعضا، خواه صریحاً و خواه ضمنی توافق کرده است، فعالیت و همکاری کند؛ فارغ از اینکه اعمال و وظایفی که انجام می‌دهد، مستقیم یا غیرمستقیم و ضروری و اساسی باشد یا خیر.^۱ بنابراین، نحوه مداخله فرد در پیشبرد طرح مجرمانه برای این دکتترین چندان موضوعیت ندارد؛ مگر درجایی که بتواند به استنباط و کشف عنصر روانی عضو مورد نظر کمکی کند.^۲ لذا، آنچه در نهایت ارتکاب می‌یابد، ماحصل یک طرح و برنامه جمعی است که ناشی از فکر یک نفر نیست، بلکه ناشی از اجماع فکری و رفتاری تمامی اعضا است که هر کدام در پیشبرد و به نتیجه رساندن هدف، وظیفه‌ای را برعهده دارند که نمی‌توان نقش آن را در ارتکاب جرم نهایی انکار کرد.

از سوی دیگر، تعیین سهم دقیق هریک از افراد شرکت‌کننده در طرح مجرمانه مشترک با چالش مواجه است؛ زیرا اولاً، همه افراد به یک نحو در جرم نهایی مشارکت ندارند، بلکه هریک ممکن است نقشی متفاوت اعم از برنامه‌ریزی، سامان‌دهی، تحریک و غیره یابند. ثانیاً، دستیابی به شواهد و ادله مربوط به رفتار هریک از افراد، اگر نگوییم غیرممکن، دست‌کم دشوار است.^۳ همین امر موجب می‌شود تا در نظر گرفتن مسئولیت با درجات مختلف برای هریک از افراد مشکل گردد. به عقیده برخی، این مفهوم، به‌ویژه در نوع اول به شرکت نزدیک می‌شود که همه مرتکبان قصد به انجام رساندن جرم توافق‌شده‌ای را در نظر دارند.^۴ از سوی دیگر، رفتار اعضای طرح مجرمانه را نمی‌توان به‌سادگی در حد معاونت تنزل داد؛ زیرا باتوجه به معیارهای مورد اشاره در

1. Prosecutor v. Miroslav Kvočka, op.cit. para. 97.

2. Prosecutor v. Dusko Tadic, op.cit. para. 203.

3. Olasolo, op.cit., p. 265; Cassese, A. "Amicus Curiae Brief of Professor Antonio Cassese and Members of the Journal of International Criminal Justice on Joint Criminal Enterprise Doctrine." *Criminal Law Forum*, Vol. 20, No. 2-3, 2009, p. 301.

4. Cryer and other, op.cit. p. 371.

پرونده تادیچ، اقدام براساس هدف مشترک با معاونت تفاوت دارد و افراد خارج از طرح مشترک هستند که در صورت همکاری با اعضای گروه می‌توانند معاون تلقی شوند نه افراد عضو طرح مجرمانه.^۱

در نتیجه، عضو مورد نظر به‌واقع در رفتار مادی طرح مشترکی که هدف نهایی آن ارتکاب یک جرم مشخص است، مشارکت فعالانه^۲ دارد و به همین علت است که مسئولیت همه اعضا یکسان خواهد بود. لذا، اقدام براساس هدف مشترک نوعی مسئولیت مشارکتی در جرم را در نظر می‌گیرد؛ بدون آنکه بین مباشر و معاون تفکیک قائل شود.^۳ حتی به تعبیری، این نوع مسئولیت در صدد «مباشرت‌انگاری مصادیق معاونت» است.^۴ اما از سوی دیگر، آشکار است که صرف عضویت در گروه بدون مشارکت نمی‌تواند منجر به مسئولیت در قالب اقدام براساس هدف مشترک شود.^۵ بنابراین، افراد در این دکتترین برخلاف آنچه در وهله اول ممکن است به نظر برسد، به‌موجب «رفتار و اعمالی» که در راستای هدفی که خود بر آن توافق کرده و انجام می‌دهند، مسئولیت می‌یابند؛ ولو آنکه خود در ارتکاب رفتار مادی جرم مذکور شرکت نکرده باشند.^۶ به عبارت دیگر، هریک از رفتارهایی که در گروه مجرمانه برای رسیدن به هدف (جرم) صورت می‌گیرد، جزء شروط و جمع آنها مقتضی وقوع جرم می‌شود. لذا، در این نظام مجرمانه، منصفانه و اخلاقی نیست که تنها به جزء نهایی آن، یعنی مرتکب اصلی، توجه شود؛ چراکه در صورت فقدان هریک به‌ویژه مقامات ارشد، این جرم رخ نمی‌داد. لیکن دلیل آنکه افراد، متحمل مسئولیتی مشابه مسئولیت مباشر مستقیم جرم می‌شوند، آن است که در جرائم جمعی و به‌خصوص در طرح مجرمانه مشترک، چون جرم در سطح گسترده ارتکاب می‌یابد، جرم نهایی را اساساً نمی‌توان محصول رفتار مباشر مستقیم به‌تنهایی دانست؛^۷ زیرا مادامی که مقدمات ارتکاب فراهم نشود و مشارکت افراد نباشد، طرح قابل اجرا نیست. بنابراین، این جرائم در ذات خود

1. Prosecutor v. Dusko Tadic, op.cit. para. 229.

2. Active Participation

3. Ibid, para. 203 & 180.

۴. میرکمالی، سیدعلیرضا، محمد پورمازار و محمدرضا نریمانی زمان‌آبادی، **نظریه فعالیت مجرمانه مشترک در پرتو آرای دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق**، تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۷، شماره ۸۲، صص ۲۶۵.

5. Cryer and other, op.cit. p. 369.

6. Cassese, 2007, op.cit. p. 111.

7. Prosecutor v. Dusko Tadic, op.cit. para. 191.

به صورت فردی قابل ارتکاب نیستند و آن قدر مقدمات و همکاری‌های پیش از فعل نهایی مجرمانه دارای اهمیت است که حتی می‌تواند اهمیت رفتار مجرمانه نهایی را به عنوان آخرین جزء از یک طرح بزرگ تحت الشعاع قرار دهد. به همین دلیل، اینکه سایر افراد مسئولیتی تنها در حد معاون یا تشویق‌کننده داشته باشند و صرفاً مباشر بخواهد تمامی مسئولیت را بر دوش کشد با ماهیت این گونه جرائم سازگار نیست.

اما در پاسخ به سؤال دوم، مبنی بر رابطه این نوع مسئولیت با اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری باید بین سه مدل تفاوت گذاشت. در مدل‌های نخست و دوم که فرد با قصد ارتکاب جرم نهایی به گروه پیوسته است و رفتاری در راستای تحقق آن مرتکب می‌شود، این مسئولیت خلاف اصل شخصی بودن نیست، لیکن این مسئله در مدل سوم که جرمی خارج از طرح و برنامه و به طور خودسرانه ارتکاب یافته، چالش برانگیز است. در توجیه این امر می‌توان بیان داشت، جرم خارج از برنامه در این مدل، محصول و نتیجه طرح مشترک برای ارتکاب جرائمی است که تک تک اعضا پیش‌تر بر انجام آن توافق کرده و رضایت داشته‌اند. به بیان دیگر، جرم خارج از برنامه نه صرفاً به صورت اتفاقی، بلکه در پی پیوستن و طرح‌ریزی مشترک اعضا واقع شده است.^۱ این مورد با جایی که یکی از اعضا در یک گروه مشروع مرتکب جرم می‌شود، متفاوت است؛ زیرا در آنجا اساساً طرح مجرمانه وجود نداشته است تا فعالیت و انجام وظیفه اعضا به نوعی تسهیل‌کننده و زمینه‌ساز جرم غیرتوافقی یکی از اعضا محسوب شود. از این رو، در توجیه مسئول دانستن سایر اعضا در ارتکاب جرمی خارج از طرح مشترک، گفته می‌شود رفتار اعضا که کنشگران جرم توافق‌شده محسوب می‌گردند، خود موجب وقوع جرم، خارج از برنامه شده است و بنابراین، می‌توان بین طرح مجرمانه توافق‌شده^۲ و جرم اتفاقی (غیرتوافق‌شده)^۳ رابطه سببیت برقرار کرد.^۴ نه آنکه مطابق دیدگاهی دیگر، قائل شویم که در مدل سوم، اساساً احراز رابطه سببیت ضروری نیست.^۵ گویی در اینجا، مسببان با واسطه و به نحو غیرمستقیم و از طریق یک یا چند تن از اعضا،

1. Cassese, 2007, op.cit. p. 118.

2. Concerted Crime

3. Incidental Crime

4. Ibid.

۵. رشودی، عارف و محمدعلی اردبیلی، **مسئولیت مبتنی بر فعالیت مجرمانه مشترک در حقوق بین‌الملل کیفری**، آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳۹۷، شماره ۱۶، ص ۲۸.

جرم نهایی را مرتکب شده^۱ و این چنین رابطه سببیت را برقرار ساخته‌اند. بر این اساس، هنگامی که سایر اعضا به‌عنوان مسبب در وقوع این جرم در نظر گرفته می‌شوند، دیگر نمی‌توان مسئولیت آنها را از نوع مسئولیت ناشی از فعل غیر و معایر با اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری دانست، بلکه آنها به‌دلیل اعمالی که خود در این طرح انجام داده‌اند، مسئولیت می‌یابند.

از سوی دیگر، در واقع طرفداران این نوع مسئولیت دست به قیاس اولویت زده‌اند: اگر اشخاص دارای نقش کم‌اهمیت در وقوع جرم (مباشران) مجازات می‌شوند، اشخاصی که نقششان در وقوع جرم بیشتر است، نیز باید دست‌کم مانند آنها مجازات شوند. بنابراین، این نوع از مسئولیت، بنابر ملاحظه سیاست‌های مصلحت‌گرایانه^۲ و ضرورت‌های عملی ایجاد شده است؛ چراکه جامعه نیاز دارد تا از خود در برابر افرادی که در یک طرح مجرمانه گرد هم می‌آیند و با وجود آنکه می‌دانند ممکن است جرائم شدیدتری خارج از طرح مجرمانه ارتکاب یابند، بر رفتار مجرمانه خود پافشاری می‌کنند، محافظت نماید.^۳

۲.۲. عنصر روانی

انتقادات به مسئولیت از باب اقدام براساس هدف مشترک تنها محدود به عنصر مادی نبوده است، بلکه درخصوص عنصر روانی نیز مسائل مناقشه‌برانگیزتری مطرح می‌شود. اگرچه این نقدها اغلب تمامی مدل‌ها را دربرمی‌گیرد، اما عمده نقد وارده در اینجا درخصوص مدل توسعه‌یافته است. زیرا در مدل اول، از آنجایی که همه افراد گروه، قصد مشترک بر ارتکاب یک جرم یا جرائم مشخص را دارند و برای ارتکاب آن نیز هریک بنا به وظیفه خود تلاش می‌کنند، مانند شرکت در جرم، هرکدام بخشی از رفتار را هدایت می‌نمایند؛ درحالی‌که قصد مشترک، توزیع‌یافته و یکسان دارند.^۴ در مدل نظام‌مند نیز که نوعی از مدل بنیادین است، شخص با وجود آگاهی از اعمال مجرمانه‌ای همچون شکنجه، با اراده و اختیار خود در چنین ساختاری ایفای نقش می‌کند و قصد به‌نتیجه‌رساندن این نظام برای ارتکاب جرائم را دارد. از آنجایی که اساساً پیشبرد چنین ساختاری بدون حمایت ارادی اعضا ممکن نیست، تمامی حامیان این ساختار فارغ از نوع

۱. خالقی، ابوالفتح و مرتضی میرزایی مقدم، *مسئولیت کیفری بین‌المللی در پرتو نظریه فعالیت مجرمانه مشترک*، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال چهارم، ۱۳۹۲، شماره ۱، ص ۱۱۰.

2. Policy Arguments

3. Olasolo, op.cit. p. 285.

4. Cryer & other, op.cit. p. 371.

وظیفه‌ای که برعهده دارند، به دلیل ارتکاب جرم نهایی که خود از آن آگاه و قصد وقوع آن را دارند، مسئول خواهند بود.^۱ به عبارتی، در این دو مدل، بر این مبنا که قصد مشترک واحد بر رفتارهای متعدد و متنوع توزیع شده و هر فرد صرف‌نظر از رفتاری که انجام می‌دهد، دارای قصدی واحد، یعنی خواست تحقق جرم است، احراز عنصر روانی قابل‌حل خواهد بود. لذا، پرسش اصلی در مدل سوم مطرح می‌شود که عضو یک طرح مشترک که تنها بر یک محدوده مشخصی از اعمال مجرمانه با سایرین توافق کرده است، چگونه بدون آنکه عنصر روانی (عمد و تقصیر) لازم برای ارتکاب جرم واقع شده را متحمل شود، صرفاً به دلیل وجود عنصر روانی سبک‌تر (آن هم قابلیت پیش‌بینی ارتکاب جرم و پذیرش خطر ارتکاب این جرم توسط دیگری) می‌تواند مسئولیتی در حد مباشر جرم داشته باشد؟^۲

در این مدل، اعضا نه تنها به دلیل ارتکاب جرم توافق شده سزاوار مجازات‌اند، بلکه به دلیل ارتکاب جرائم خارج از برنامه مشترک که قابل پیش‌بینی بوده‌اند، نیز مسئولیت مرتکب اصلی را به دوش می‌کشند. منتقدین معتقدند در جرائم قابل پیش‌بینی که جزء طرح توافق شده نبوده‌اند و تنها عواقب طبیعی و قابل پیش‌بینی آن محسوب می‌شدند، هیچ قصد مشترکی بین اعضا برای ارتکاب آنها وجود نداشته و این در حالی است که دکترین مورد بحث، عضوی که مباشر مادی جرم نبوده است، را مسئول می‌داند؛ چراکه او توانسته است ارتکاب این جرائم توسط یک یا چند تن از اعضا را به عنوان «نتیجه محتمل»^۳ اجرای طرح مشترک پیش‌بینی کند؛ خواه سایرین هم به این احتمال اندیشیده، خواه نیندیشیده باشند.^۴ این ایراد در جرائم مقید بسیار شدیدتر است. جرائم مقید از آنجا که نیازمند نتیجه‌اند، به تبع نتیجه، مستلزم وجود سوءنیت خاص در عنصر روانی هستند و نمی‌توانند موجب مسئولیت فرد فاقد سوءنیت خاص شوند. لذا، به نظر برخی، مدل توسعه‌یافته در مورد این جرائم که اغلب جرائم بین‌المللی نیز از همین نوع‌اند، قابل اعمال نیست. نظر این گروه بر این است که برای مثال، در نسل‌کشی نمی‌توان فردی را که قصد ارتکاب این جرم را نداشته، اما از احتمال وقوع آن توسط دیگری در حد پیش‌بینی پیامد طبیعی عمل گروه آگاه بوده است، به عنوان مباشر تلقی کرد؛ زیرا وی دارای سوءنیت خاص برای ارتکاب نسل‌کشی نبوده است و

1. Cassese, 2007, op.cit. p. 112.

2. Ibid, p. 117.

3. Possible Consequence

4. Olasolo, op.cit. pp. 283-284.

تنها اگر اقدام براساس هدف مشترک بتواند به‌عنوان نوعی از معاونت در نظر گرفته شود، بر جرم نسل‌کشی قابل انطباق خواهد بود.^۱ به‌عبارت دیگر، از دید منتقدان، سهل‌انگاری آگاهانه^۲ نمی‌تواند جایگزین قصد و سوءنیت برای حمل مسئولیت از نوع مباشرت در جرائم فوق باشد^۳ و بنابراین، در این حالت هرچند وقوع جرم، نتیجه سهل‌انگاری اعضا است -چراکه آنها نتوانستند اقداماتی انجام دهند که مطمئن شوند تمامی اعضای گروه به حدود توافقات انجام گرفته، پایبند می‌مانند- معیار قابلیت پیش‌بینی باید نهایتاً به محکومیت برای جرم ناشی از تقصیر منتهی شود که مسئولیت آن در درجه پایین‌تری از جرائم عمدی قرار می‌گیرد.^۴ موافقان نیز اگرچه به این امر اذعان دارند، معتقدند این اختلافات در مرحله تعیین مجازات می‌تواند حل شود^۵ و قاضی قادر است باتوجه به نحوه مداخله افراد، مجازات را تعیین کند.^۶ از طرف دیگر، می‌توان گفت که ورود به چنین برنامه‌ای، مسئولیت‌های مازادی را برای اعضا به همراه می‌آورد. یکی از این مسئولیت‌ها این است که افراد پیش از پیوستن به گروه باید به این بیندیشند که اعضای دیگر ممکن است با شدت عمل بیشتری رفتار کنند. این امر برای یک طرح مجرمانه خشونت‌آمیز بسیار طبیعی است که همواره عیناً به مانند آنچه بر روی کاغذ توافق شده است، پیش نرود. بنابراین، مجرم بار مسئولیت این سوءرفتار اعضا را به دوش می‌کشد و سزاوار تحمل مسئولیت به‌دلیل اعمال سایر اعضاست.^۷ اما به نظر می‌رسد باتوجه به آنچه در بحث عنصر مادی در باب شخصی‌بودن مسئولیت و همچنین پیش‌تر در باب سهل‌انگاری آگاهانه این افراد گذشت، تقسیم سوءنیت خاص به مستقیم و غیرمستقیم (تبعی) می‌تواند یاری‌دهنده باشد. در سوءنیت تبعی، شخص تمایل مستقیم برای تحقق نتیجه ندارد و آن را هم نمی‌طلبد، لیکن بر این خطر و احتمال بسیار قوی

1. Ibid, p. 284.

2. Dolus Eventualis

3. Moyo, U. *The development of indirect co-perpetration by the International Criminal Court and the extent to which its development accords with the principle of legality and the principle of individual culpability*. Master of International and European Public Law Thesis, Tilburg University, 2013, p. 43.

4. Ohlin, J. D. "Three conceptual problems with the doctrine of joint criminal enterprise." *Journal of International Criminal Justice*, 5(1), 2007, p. 83.

5. Prosecutor v. Radoslav Brdanin, IT-99-36-A, Appeal Judgment. (Int'l Crim. Trib. for the Former Yugoslavia Apr. 3, 2007, para. 432).

6. Ohlin, op.cit. p. 87.

7. Ibid, p. 83.

آگاه است که در صورت انجام رفتار، نتیجه محقق می‌شود.^۱ به همین ترتیب، در نوع سوم این مسئولیت نیز از آنجایی که نتیجه، پیامد طبیعی و نسبتاً قطعی رفتار گروه و خارج از پیامدهای غیرمعمول آن است و فرد «شخصاً» باید این نتیجه را پیش‌بینی کرده باشد، می‌توان سوءنیت غیرمستقیم را به او منتسب نمود و وی را به دلیل رفتار گروه که در حکم واحد است، مسئول دانست؛ ولو آنکه حتی به عقیده برخی، این پیش‌بینی در حد یک احتمال قوی نیز نبوده باشد.^۲

در نهایت، علی‌رغم آنکه ادله مخالفان تفسیر موسع از دکترین اقدام براساس هدف مشترک از استحکام حقوقی بیشتری برخوردار و پایبند به اصول کلی حقوق کیفری است، به نظر می‌رسد استدلال‌های مبتنی بر ضرورت‌های عملی در حمایت از این دکترین در باب حفاظت از گروه‌های مختلف، جامعه و حتی یک کشور نیز درخور توجه است.

۳. مسئولیت کیفری بر پایه اقدام براساس هدف مشترک در حقوق ایران

اقدام براساس هدف مشترک، به دلیل عمر کوتاه و به‌ویژه مواجه‌بودن با برخی مسائلی که گذشت، در حقوق ایران به شکل نوع خاصی از مسئولیت نمایان نشده است. بنابراین، قاعده عامی در این خصوص در نظام کیفری ایران وجود ندارد. لیکن، مسئله آن است که آیا می‌توان نمونه‌هایی از این نوع مسئولیت را در حقوق ایران یافت و اگر پاسخ مثبت است، این جرائم از چه ویژگی‌هایی برخوردارند که سایر جرائم فاقد آن بوده و قانون‌گذار به سمت پذیرش این نوع مسئولیت در آنها تمایل یافته است.

با بررسی قوانین ایران می‌توان جرائم را در یک تقسیم‌بندی کلی دو گونه دانست: جرائمی که با ارتکاب یک نفر نیز موجب مسئولیت مرتکب می‌گردند و تعدد مرتکبان در آنها شرط نیست؛ دوم جرائمی که برای تحقق نیاز به تعدد مرتکبان دارند. دسته نخست را می‌توان دو گونه دانست: الف) جرائمی که تعدد افراد مداخله‌کننده در آنها عامل مشدده محسوب می‌شود. در واقع، ارتکاب

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: یکرنگی، محمد و حسن عالی‌پور، معیار علم به وقوع نتیجه در حقوق کیفری ایران با رویکرد تطبیقی به حقوق انگلستان و فقه امامیه، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره دوم، ۱۳۹۴، شماره‌های ۳ و ۲، صص ۱۵۵-۱۶۹.

۲. خالقی، ابوالفتح و مرتضی میرزایی مقدم، رویکرد افتراقی به عنصر معنوی جرم در نظریه فعالیت مجرمانه مشترک در پرتو آرای دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موردی، فقه و حقوق اسلامی، سال نهم، ۱۳۹۷، شماره ۱۶، ص ۱۸۱.

این جرائم هرچند به صورت فردی ممکن است، لیکن در صورت تعدد این افراد، مجازات آنها تشدید می‌شود (این دسته با نام جرائم گروه ۱ در متن ذکر می‌شود). این عامل مشدده یا می‌تواند برای مرتکبان اصلی رفتار مجرمانه مطرح شود، مانند بیش از یک نفر بودن مرتکبان در سرقت یا بر سایر افراد دخیل در جرم نیز تحمیل گردد، مانند افساد فی الارض؛ ب) جرائمی که تعدد مرتکبان در آنها موضوعیتی نداشته و عامل مشدده محسوب نمی‌شود؛ مانند ارتکاب جمعی توهین (این دسته با نام جرائم گروه ۲ در متن ذکر می‌شود).

از سوی دیگر، جرائم دسته دوم که تحقق آنها منوط به تعدد مرتکبان است، خود به دو دسته تقسیم می‌گردند: الف) جرائمی که در آنها وجود گروه، موضوعیت داشته و جرم به صورت گروهی یا جمعی ارتکاب می‌یابد. در این جرائم، تعدد مرتکبان رفتار مادی شرط نیست، بلکه تنها تعدد افراد دخیل در گروه شرط است و اینکه یک نفر از آنها مرتکب رفتار مجرمانه گردد، کفایت می‌کند؛ (این دسته با نام جرائم گروه ۳ در متن ذکر می‌شود)؛ ب) جرائمی که در آنها لزوماً تعدد مرتکبان در رفتار مادی نیز شرط است؛ مانند نزاع دسته‌جمعی (این دسته با نام جرائم گروه ۴ در متن ذکر می‌شود).

جرائم گروه ۲ و ۴ از حوزه بحث این مقاله با تحلیل اولیه خارج‌اند؛ زیرا در این جرائم، همه اشخاص دخیل، مرتکب رفتار مادی جرم شده‌اند؛ در حالی که در مسئولیت برپایه اقدام براساس هدف مشترک، از جمله شرایط آن است که برخی از افرادی که مرتکب رفتار مادی جرم‌نهایی نشده‌اند، نیز به دلیل رفتار مادی و جرم‌نهایی ارتكابی توسط دیگران مسئولیت می‌یابند. در اینجا لازم است، این نوع مسئولیت از مسئولیت کیفری ناشی از رفتار غیر متمایز شود. در مسئولیت کیفری ناشی از رفتار غیر، طبق ماده ۱۴۲ ق.م.ا فرد یا مسئولیت نظارت داشته یا مرتکب تقصیر می‌شود.^۱ این در حالی است که در این دکتترین، فارغ از اینکه این شرایط باشد یا خیر، شخص به موجب مشارکت و نقشی که خود در به‌انجام‌رساندن هدف مجرمانه مشترک و ایجاد زمینه وقوع پیامدهای طبیعی آن داشته است، مسئول تلقی خواهد شد.

۱. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک: جعفری، مجتبی، **بازاندیشی در مفهوم مسئولیت کیفری فعل غیر**، پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، ۱۳۹۶، شماره ۲۰، صص ۱۷۳-۲۰۰؛ یکرنگی، محمد، **مسئولیت کیفری ناشی از رفتار غیر در حقوق ایران و انگلستان**، در: افق‌های نوین حقوق کیفری؛ نکوداشت‌نامه استاد دکتر حسین آقایی‌نیا، تهران: میزان، ۱۳۹۸، صص ۳۵۸-۳۷۵.

در جرائم گروه ۱، یعنی درجایی که تعدد مرتکبان باعث تشدید مجازات آنها می‌شود، اگر عامل مشدده بر مرتکبان که همگی شریک جرم محسوب می‌شوند، بار گردد، تشدید از باب ارتکاب رفتار مادی جرم است؛ نه صرف دخیل بودن در جرم. چنان‌که در سرقت هرگاه مرتکبان دو نفر یا بیشتر باشند، این امر موجب تشدید کیفر خواهد شد (مواد ۶۵۱ و ۶۵۴ ق.م.ا کتاب تعزیرات). در همین جا نکته‌ای شایان ذکر است و آن اینکه در سرقت مسلحانه موضوع مواد فوق، حمل سلاح توسط یک یا چند نفر از اعضا نیز موجب تشدید مجازات تمامی مرتکبان است و گویی مجازات حمل سلاح که اینجا در قالب افزایش مجازات جرم سرقت نمود یافته است، بر مرتکبانی که حامل سلاح نبوده‌اند، نیز تحمیل می‌گردد. لذا، شاید این‌گونه به نظر رسد که مواد فوق از این نظر، مشابه با دکتترین مدنظر هستند. اما باید به یاد داشت که بحث ما در دکتترین اقدام براساس هدف مشترک، نه صرف یکسان‌انگاری مجازات‌ها، بلکه هم‌پایه‌سازی مسئولیت افرادی است که برخی صرفاً زمینه‌ساز جرم نهایی و برخی مرتکب نهایی جرم بوده‌اند. درحالی‌که در سرقت مسلحانه، همه افراد که به یک‌میزان مجازات قانونی‌شان تشدید می‌شود، رفتار مادی سرقت را انجام داده‌اند و مرتکب اصلی سرقت محسوب می‌شوند؛ نه آنکه تنها زمینه‌ساز سرقت و به تبع، زمینه‌ساز سرقت مسلحانه بوده و وظیفه‌ای غیر از سرقت را عهده‌دار شده باشند.

از نکته فوق که بگذریم، در مواردی قانون‌گذار، تشدید را نه بر مرتکبان اصلی، بلکه بر سایر اشخاص دخیل در جرم به‌نحوی اعمال نموده است که آنها نیز متحمل مجازات آن جرم می‌شوند.^۱ نمونه بارز این امر افساد فی الارض است که در سال ۱۳۹۲ به‌صورت موسع در ماده ۲۸۶ ق.م.ا وارد حقوق کیفری ایران شد. صرف‌نظر از مناقشات موجود درخصوص این جرم،^۲ آنچه برای این نوشتار اهمیت می‌یابد، مرتکب این جرم است. در این ماده، مباشر و معاون اقدامات مذکور، هر دو به یک‌میزان مسئول بوده‌اند و مجازاتی برابر را متحمل می‌شوند. معاونت در افساد به شکل مطلق آن بیان شده است و تمامی انواع آن، اعم از تحریک، تشویق، طراحی و

۱. در اینجا باید بین این مورد و مواردی که کیفیات مشدده عینی وجود دارد و در آن مجازات معاون به نسبت مجازات مباشر افزایش می‌یابد، تفکیک قائل شد. بحث مقاله حاضر، درجایی است که معاون و مباشر به یک‌میزان مسئولیت و مجازات خواهند یافت.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: برهانی، محسن، **افساد فی الارض؛ ابهام مفهومی، مفاسد عملی (تحلیل حقوقی ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی)**، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره دوم، ۱۳۹۴، شماره ۳ و ۲، صص ۱۹-۴۴.

هرگونه تسهیل وقوع جرم را شامل می‌شود. البته در این ماده، معاونتی مشمول افساد خواهد بود که به شکل گسترده صورت گیرد. لذا، در این مورد، قانون‌گذار فردی را که به‌طور گسترده مرتکب معاونت شده تا دیگری یکی از رفتارهای افساد را مرتکب شود، همسان مباشر دارای مسئولیت می‌داند. علاوه‌براین، درخصوص سردهسته گروه مجرمانه در ماده ۱۳۰ نیز در صورتی که بر سردهسته، عنوان مفسد فی‌الارض صدق کند، وی به مجازات این جرم محکوم می‌شود. بنابراین، درجایی که ما با یک گروه مجرمانه روبه‌رو هستیم که هدف مشترک خود را بر ارتکاب یک یا چند مورد از اقدامات ماده ۲۸۶ قرار داده‌اند، سردهسته (در صورتی که عنوان مفسد فی‌الارض بر وی صدق کند)، مباشر و معاون همگی به مجازات اعدام محکوم می‌شوند.^۱ چنین حکم موسعی درخصوص مسئولیت معاون در این جرم توسط قانون‌گذار، نشان‌دهنده اهمیت افساد در نظر وی است و همچون اقدام براساس هدف مشترک که حقوق‌دانان به دلیل اهمیت جرائم ارتكابی در عرصه بین‌الملل چنین مسئولیت موسعی را موجه و مقبول می‌دانند، قانون‌گذار داخلی نیز با چنین تصویری از این رویه تبعیت می‌کند. از این‌رو، به نظر می‌رسد می‌توان مسئولیت معاون در جرم افساد را نوعی هرچند محدود از اقدام براساس هدف مشترک دانست.

به‌علاوه، قوانین کیفری ایران موارد متعددی را ذکر نموده‌اند که در آن مجازات معاون مجازات محارب است. از جمله، ماده ۷۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی بیان داشته است: «مجازات مرتکبین جرائم مقرر در بند (۱۶) ماده (۶۶) اعم از مباشر و یا معاون و یا تحریک‌کننده در صورتی که محاربه صدق نکند، همان مجازات مقرر در ماده (۶۱۷) قانون مجازات اسلامی می‌باشد»؛ بدین معنا که در صورت صدق عنوان محارب، معاون نیز مجازات مباشر را خواهد داشت. در این موارد، قانون‌گذار به دلیل رفتار مادی شخص دیگر، همه افراد را تحت یک عنوان مجرمانه مجازات می‌نماید. همچنین است ماده ۴ قانون تشدید مجازات محتکران و

۱. این درحالی است که برخلاف دکترین اقدام براساس هدف مشترک، در حقوق ایران در سایر جرائم به‌جز افساد فی‌الارض، به‌عنوان یک قاعده کلی مسئولیت اعضای گروه مجرمانه با سردهسته گروه مجرمانه هم‌پایه و یکسان نیست. برای مطالعه بیشتر ر.ک: میرمحمدصادقی، حسین و علی ایزدیار، **واکوی وجوه اشتراک و افتراق اقدامات مجرمانه مشترک** و «سردستگی گروه مجرمانه»، تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۹، شماره ۸۹، صص ۵۹-۸۳.

۲. ماده ۶۶: «علاوه‌بر جرائم مندرج در این قانون، ارتکاب امور ذیل جرم محسوب می‌شود: ... ۱۶- ایجاد رعب و وحشت برای رأی‌دهندگان یا اعضای شعب ثبت نام و اخذ رأی با اسلحه یا بدون اسلحه در امر انتخابات».

گرانفروشان مصوب ۱۳۶۷^۱ که اگر فرد یا افرادی به‌عنوان شریک یا معاون در جرائم مذکور در آن قانون دخالت داشته باشند، حکم به کیفر همگی به‌عنوان محکوم داده است. با این حال، تفاوت ظریفی بین مسئولیت در مواد بیان شده و دکترین اقدام براساس هدف مشترک وجود دارد و آن اینکه در این دکترین، همه افراد تحت عنوان واحد مسئولیت دارند، بدین معنا که همگی مسئولیت نسل‌کشی یا جنایت جنگی را دارند و به‌تبع این مسئولیت واحد، مجازات برای آنها تعیین می‌شود. درحالی‌که در موارد فوق در حقوق ایران، عنوان مسئولیت اشخاص متفاوت است و به‌عنوان معاون تحت تعقیب قرار می‌گیرند؛ اما در نهایت مجازات محارب یا محکوم بر آنها بار می‌شود. به‌عبارتی، اقدام براساس هدف مشترک، اساساً خود شکل خاصی از مسئولیت در عرض معاونت، شرکت و مباشرت است و نه صرفاً تحمیل کیفر مباشر بر معاون. اما می‌توان گفت در این موارد، به‌دلیل به‌رسمیت‌نشناختن مسئولیت به‌موجب اقدام براساس هدف مشترک است که قانون‌گذار چنین بیانی داشته و درواقع، همان قصدی را که از جعل این دکترین مطرح بوده، در قالب موارد پیش‌گفته در حقوق ایران مدنظر قرار داده است. به بیان دیگر، اکنون با شناخت این نوع مسئولیت می‌توان معتقد بود مقصود مقنن در اصل، مجازات همه افراد دخیل در گروه با میزان یکسانی از مسئولیت بوده است که همان مسئولیت براساس اقدام مشترک است؛ ولو آنکه نقش هر یک متفاوت بوده باشد.

جرائم گروه ۳، قریب‌ترین نوع مسئولیت را نسبت به دکترین اقدام براساس هدف مشترک در حقوق ایران ایجاد می‌کند. این دسته شامل جرائمی‌اند که تنها به‌صورت گروهی یا جمعی رخ می‌دهند. نزدیک‌ترین نوع مسئولیت در حقوق کیفری ایران به اقدام براساس هدف مشترک را در جرم بغی در ماده ۲۸۷ ق.م.ا می‌توان یافت که مصداقی از جرائم گروه فوق است. این جرم، همانند اغلب جرائم بین‌المللی جرمی است که به‌صورت فردی امکان ارتکاب آن وجود ندارد و وجود یک گروه مجرمانه برای تحقق آن ضروری می‌نماید؛ هرچند بنابر نظر اقلیت فقها، امکان

۱. ماده ۴ قانون تشدید مجازات محکومان و گرانفروشان مصوب ۱۳۶۷: «معاون و شریک در جرائم فوق مجازات محکوم را خواهد داشت و در صورتی که این اشخاص کارمند دولت و یا شرکت‌های دولتی باشند، به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهند شد».

ارتکاب بغی به صورت فردی نیز وجود دارد.^۱ در فقه، غالباً مقابله با باغیان و اهل بغی به مقابله با کسانی اطلاق می‌شود که شورش کرده و اصطلاحاً وارد جنگ با حاکم اسلامی شده باشند^۲ که در این مورد هم، بسیاری از فقها پس از دستگیری، تنها به امکان حبس این افراد حکم داده‌اند، نه قتل آنان.^۳ نکته مهم در خصوص این جرم در قانون مجازات اسلامی که آن را به مفهوم اقدام براساس هدف مشترک نزدیک می‌کند، آن است که بنا به یک دیدگاه در ماده ۲۸۷، تمام اعضای گروه در صورت قیام مسلحانه، باغی شناخته شده و مسئولیت یکسان می‌یابند؛ ولو اینکه فقط عده‌ای از اعضا از اسلحه استفاده کرده باشند و نقش و وظیفه سایر اعضا، تدارکات و اموری منصرف از حمله مسلحانه و آماده‌سازی آن باشد.^۴ این دیدگاه سبب می‌شود تا دامنه جرم بغی گسترش یافته و تمامی اعضای یک گروه مجرمانه، به صرف عضو بودن در گروه و موافقت با هدف آن، یعنی قیام مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی و انجام فعالیت‌های غیرمسلحانه، باغی شناخته شده و به مجازات آن محکوم شوند. بدین ترتیب، پذیرش چنین تفسیری از جرم بغی در قانون بنا به اطلاق ماده ۲۸۷، مسئولیت مرتکب آن را به مفهوم اقدام براساس هدف مشترک بسیار نزدیک نموده است. البته وجه تمایز درجایی آشکار می‌شود که در بغی برخلاف آنچه در مدل توسعه‌یافته اقدام براساس هدف مشترک اتفاق می‌افتد، اعضا به دلیل جرائمی هرچند قابل‌پیش‌بینی که چند تن از ایشان ممکن است در خلال اقدامات خود انجام دهند، مسئولیتی نخواهند داشت و تنها اقدام گروهی در راستای همان قیام مسلحانه است که موجب مسئولیت است؛ زیرا بغی در قانون مجازات اسلامی از جرائم حدی است و در حدود، قصد مستقیم برای مجازات شرطی ضروری است؛ مگر آنکه شارع یا قانون‌گذار تصریح به غیر آن نماید که در

۱. رحیمی‌نژاد، اسمعیل و محدثه صفرخانی، **بررسی جرم بغی در فقه امامیه و حقوق ایران**، حقوق اسلامی، ۱۳۹۳، شماره ۴۰، ص ۱۱۴.
۲. به نظر برخی از فقها از جمله شیخ طوسی، شرط باغی محسوب‌شدن اعضای گروه، توان درگیری مسلحانه و قدرت آنها است و نه الزاماً درگیری مسلحانه بالفعل و استفاده از سلاح؛ رفیع‌پور، سیدمحمد مهدی، **بررسی «أیه بغی» در قرآن کریم**، فقه اهل بیت، سال بیستم، ۱۳۹۳، شماره ۷۷-۷۸، ص ۲۸۸.
۳. برای مطالعه تعاریف فقها از باغی و موارد حبس وی ر.ک: طیبی، نجم‌الدین، **حقوق زندانی و موارد زندان در اسلام**، ترجمه سیدمحمدعلی احمدی ابهری و دیگران، قم: بوستان قم، ۱۳۸۷، صص ۳۳۴-۳۴۰.
۴. مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه، **شرح جامع و کاربردی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲**، جلد ۲، قم: نشر قضا، ۱۳۹۷، ص ۱۴۸۵.

بغی چنین نیست و در صورت عدم وجود قصد مستقیم، فرد، باغی محسوب نمی‌شود. لذا، نمی‌توان شکل سوم اقدام براساس هدف مشترک را با بغی تطبیق نمود. از سوی دیگر، در بحث مجازات در بغی و همچنین در افساد فی الارض با مجازات حدی ثابت مواجه هستیم، در حالی که در دکنترین اقدام براساس هدف مشترک، مجازات باتوجه به اوضاع و احوال و موقعیت و جایگاه مرتکب در بازه‌ای بنا بر نظر قضات تعیین می‌گردد. همچنین، از مصادیق دیگری که در قانون وجود داشته، اما نسخ شده است، می‌توان به مواد ۱۸۶ و ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ اشاره نمود که به طور مشخص افرادی را که در رفتار جرم نهایی دخالتی نداشتند، محارب می‌دانست و بدین ترتیب مسئولیت را بر افراد گروه به‌طور یکسان بار می‌نمود.^۱

علاوه بر موارد قانونی فوق، در برخی موارد اشخاص دخیل در جرم مبادرت به اقداماتی می‌نمایند که از نظر حقوقی کاملاً داخل در معاونت است، لیکن در دکنترین و یا رویه قضایی تفسیر به مباشرت شده و به‌عنوان شریک با آنان برخورد می‌شود. برای مثال، اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۹۷/۲۳۹ مورخ ۹۷/۲/۱۶ چنین بیان داشته است: «با فرض اینکه سرقت واقع شده سرقت تعزیری محسوب شود، معیار تشخیص شرکت از معاونت از نظر حقوقی دخالت در عملیات اجرایی جرم می‌باشد. لیکن معیار دخالت در عملیات اجرایی جرم، امری عرفی می‌باشد و نه معیار دقیق حقوقی. با جمع این دو معیار در صورت ورود چند نفر به منزل به قصد سرقت، به‌گونه‌ای که یک نفر سلاح کشیده و دیگران را کنترل نماید و دیگران مال را جمع‌آوری کرده و خارج شوند، مشارکت در سرقت محسوب می‌شود». این نظر در واقع بدون آنکه ذکر از اقدام براساس هدف مشترک آورد، اشخاصی را که با معیار دقیق حقوقی و قانونی معاون محسوب می‌شوند، در شمار شرکای جرم تلقی نموده است. همین امر در خصوص راکب موتور که ترک‌نشین آن مبادرت به ربودن کیف دیگران می‌کند، نیز صادق است. حتی در قتل نیز، برخی از

۱. ماده ۱۸۶: «هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند، مادام که مرکزیت آن باقی است تمام اعضا و هواداران آن که موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان را می‌دانند و به‌نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش مؤثر دارند، محارب‌اند؛ اگرچه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند. تبصره- جبهه متحدی که از گروه‌ها و اشخاص مختلف تشکیل شود، در حکم یک واحد است.»
 ماده ۱۸۷: «هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار، امکانات مالی مؤثر و یا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند، محارب و مفسد فی الارض می‌باشند.»

حقوق دانان بر همین سبیل رفته‌اند و با قول بر اینکه عملیات اجرایی در قتل با پیوند مجموعه‌ای از رفتارها و نه الزاماً یک رفتار محقق می‌شود، کسی را که دست‌وپای مقتول را نگه می‌دارد یا روی سینه وی می‌نشینند تا دیگری او را بکشد، شریک در قتل محسوب می‌نمایند و نه معاون.^۱ در واقع، از آنجا که دکترین حقوقی ایران، تلقی این افراد را به‌عنوان معاون چندان منصفانه نمی‌داند، ناگزیر در تفسیر مفهوم معاون و مباشر تغییر ایجاد کرده و این افراد را شریک در جرم تلقی می‌نماید. در این موارد، مناسب است نسبت به گسترش انواع مسئولیت قدم برداشته شود و این نوع مسئولیت نیز در حقوق ایران برای برون‌رفت از مشکلات شناسایی گردد. با شناسایی این موارد، مشکلات بسیاری در نظام حقوقی ایران می‌تواند حل شود؛ مانند موردی که فردی در اتومبیل در جلوی در منزل منتظر بوده تا دیگری به داخل منزل رود و وسایل را خارج کرده و داخل ماشین گذارده و حرکت کنند. صرف‌نظر از مناقشاتی که درخصوص معاون یا شریک‌بودن این شخص ممکن است مطرح شود، می‌توان این رفتار را اقدام براساس هدف مشترک دانست و آثار آن را دنبال کرد.

۱ محسنی، مرتضی، *دوره حقوق جزای عمومی*، جلد ۳، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶، صص ۱۲۸.

نتیجه گیری

دکترین اقدام براساس هدف مشترک، اگرچه زادهٔ رویهٔ قضایی بین‌المللی است و مفهومی نسبتاً جدید در حقوق کیفری به شمار می‌آید، لیکن منحصر به جرائم بین‌المللی باقی نمانده است. اقدام براساس هدف مشترک شکل خاصی از مسئولیت کیفری است که به‌نوعی تمامی انواع مداخله در جرم را در خود جای می‌دهد و بدون توجه به نحوهٔ مداخله افراد در ارتکاب یک جرم که با توافق و پذیرش آنها واقع می‌شود، تمامی این افراد را به میزان مرتکب اصلی، سزاوار تحمل مسئولیت می‌داند. بنابراین، در گسترهٔ این مفهوم، همهٔ افراد مداخله‌کننده، از قبیل طراح گروه، مافوق، معاون و مباشر به یک اندازه به‌خاطر جرمی که به‌نحو صریح یا ضمنی بر ارتکاب آن توافق کرده‌اند، مسئول خواهند بود. با این حال، از زمان مطرح‌شدن این نوع مسئولیت در حقوق بین‌الملل کیفری تاکنون، انتقاداتی حقوقی بر آن وارد شده است. پژوهش حاضر با بررسی این انتقادات که به‌طور عمده ناظر بر عنصر مادی و روانی مقتضی این نوع مسئولیت بوده، درنهایت به این نتیجه رسیده است که اگر اقدام براساس هدف مشترک در سنجهٔ قواعد سنتی حقوق کیفری قرار گیرد، به‌سختی توجیه‌پذیر است. اما در صورتی که با دید جدیدی بر این نوع مسئولیت نگرسته شود، تعارض آن با اصول حقوقی از میان خواهد رفت. بدان معنا که در این نوع مسئولیت اگر گروه مجرمانه دارای هویت واحد، یعنی هویتی مستقل از اجزای آن تلقی می‌شود - درحالی که برای وصول به نتیجهٔ مجرمانه در تلاش است و هر شخص در آن در راستای این هدف فعالیت می‌کند- آنگاه رفتارهای داخل در این گروه به‌مثابهٔ اجزای یک سیستم بوده و می‌توان نتیجهٔ نهایی را به تمامی رفتارها منتسب نمود. لذا، ایراد عدم تحقق رفتار مادی جرم از سوی برخی از افرادِ مسئول در این نوع مسئولیت از بین خواهد رفت. همچنین، در صورتی که قصد واحد گروه را بتوان به اشخاص دخیل در گروه سرایت داد، با این وصف که عنصر روانی ارتکاب جرم در تمامی اشخاص با تشکیل یا عضویت در گروه مجرمانه وجود دارد، می‌توان این عنصر روانی را بر رفتار هر فرد بار نمود و از این منظر تحمیل مسئولیت بر اشخاص دخیل در گروه موجه خواهد بود.

در حقوق کیفری ایران نیز قانون‌گذار در برخی موارد بدون ذکر نامی از این نوع مسئولیت، در راستای رعایت انصاف، به‌نحوی به این مسئولیت روی آورده است؛ از جمله موردی که معاون و مباشر را دارای مسئولیت و مجازات یکسان دانسته است، مانند افساد فی‌الارض. با این حال، در

حقوق ایران می‌توان بگی را در صورت پذیرش تفسیری که ذکر گردید، تا حدودی منطبق با مسئولیت برپایه اقدام براساس هدف مشترک دانست که در آن تمامی اعضای گروه، فارغ از وظیفه‌ای که دارند، باغی محسوب می‌گردند. به علاوه، در برخی تفاسیر حقوقی در دکترین و رویه قضایی نیز می‌توان ردپای این نوع مسئولیت را یافت؛ به ویژه آنجا که برپایه دخالت عرف در مفهوم مداخله در عملیات اجرایی، برخی اشخاص که هیچ دخالتی در عملیات اجرایی نداشته‌اند، به مانند مباشر قابل مجازات دانسته می‌شوند. تنها مسئله اساسی آن است که در حال حاضر به دلیل عدم شناسایی صریح این نوع مسئولیت در حقوق کیفری ایران، تفاسیر حقوقی، رفتار این افراد را به صورت شرکت در جرم تفسیر می‌نمایند و مسئولیت یکسان بر آنها تحمیل می‌کنند. لذا، به نظر می‌رسد شناسایی این نوع مسئولیت در حقوق کیفری ایران می‌تواند به حل مشکلات عملی و رعایت انصاف حقوقی یاری رساند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. طبسی، نجم‌الدین، *حقوق زندانی و موارد زندان در اسلام*، ترجمه سیدمحمدعلی احمدی ابهری و دیگران، قم: بوستان قم، ۱۳۸۷.
۲. محسنی، مرتضی، *دوره حقوق جزای عمومی*، جلد ۳، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶.
۳. مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه، *تشریح جامع و کاربردی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*، جلد ۲، قم: نشر قضا، ۱۳۹۷.

مقاله

۴. برهانی، محسن، *افساد فی الارض؛ ابهام مفهومی، مفاسد عملی (تحلیل حقوقی ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی)*، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره دوم، ۱۳۹۴، شماره‌های ۲ و ۳، صص ۱۹-۴۴.
۵. جانی‌پور، مجتبی و معصومه لادمخی، *مفهوم موسع اقدامات مجرمانه مشترک در حقوق کیفری بین‌المللی*، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، ۱۳۹۳، شماره ۶، صص ۱۳۷-۱۶۴.
۶. جعفری، مجتبی، *بازاندیشی در مفهوم مسئولیت کیفری فعل غیر*، پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، ۱۳۹۶، شماره ۲۰، صص ۱۷۳-۲۰۰.
۷. خالقی، ابوالفتح و مرتضی میرزایی مقدم، *رویکرد افتراقی به عنصر معنوی جرم در نظریه فعالیت مجرمانه مشترک در پرتو آرای دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موردی*، فقه و حقوق اسلامی، سال نهم، ۱۳۹۷، شماره ۱۶، صص ۱۶۱-۱۸۸.
۸. خالقی، ابوالفتح و مرتضی میرزایی مقدم، *مسئولیت کیفری بین‌المللی در پرتو نظریه فعالیت مجرمانه مشترک*، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال چهارم، ۱۳۹۲، شماره ۱، صص ۹۷-۱۲۰.
۹. رحیمی‌نژاد، اسمعیل و محدثه صفرخانی، *بررسی جرم بغی در فقه امامیه و حقوق ایران*، حقوق اسلامی، ۱۳۹۳، شماره ۴۰، صص ۱۰۵-۱۳۴.

۱۰. رشنودی، عارف و محمدعلی اردبیلی، **مسئولیت مبتنی بر فعالیت مجرمانه مشترک در حقوق بین الملل کیفری**، آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳۹۷، شماره ۱۶، صص ۳-۳۸.
۱۱. رفیع‌پور، سیدمحمد مهدی، **بررسی «آیه بغی» در قرآن کریم**، فقه اهل بیت، سال بیستم، ۱۳۹۳، شماره ۷۷-۷۸، صص ۲۷۲-۲۹۸.
۱۲. میرکمالی، سیدعلیرضا، محمد پورمازار و محمدرضا نریمانی زمان آبادی، **نظریه فعالیت مجرمانه مشترک در پرتو آرای دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق**، تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۷، شماره ۸۲، صص ۲۵۳-۲۸۲.
۱۳. میرمحمدصادقی، حسین و علی ایزدیار، **واکاوی وجوه اشتراک و افتراق «اقدامات مجرمانه مشترک» و «سردستگی گروه مجرمانه»**، تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۹، شماره ۸۹، صص ۵۹-۸۳.
۱۴. یکرنگی، محمد، **مسئولیت کیفری ناشی از رفتار غیر در حقوق ایران و انگلستان**، در: افق‌های نوین حقوق کیفری؛ نکوداشت‌نامه استاد دکتر حسین آقایی‌نیا، تهران: میزان، ۱۳۹۸، صص ۳۵۸-۳۷۵.
۱۵. یکرنگی، محمد و حسن عالی‌پور، **معیار علم به وقوع نتیجه در حقوق کیفری ایران با رویکرد تطبیقی به حقوق انگلستان و فقه امامیه**، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره دوم، ۱۳۹۴، شماره‌های ۳ و ۲، صص ۱۵۵-۱۶۹.
۱۶. یوسفیان شوره‌دلی، بهنام، **کانون مشترک مجرمانه: جست‌وجوی توصیف مناسبی برای جنایتکاران بین‌المللی فراسوی مباشرت مادی**، تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۳، شماره ۶۸، صص ۲۶۷-۳۰۱.

ب) منابع انگلیسی

Books

17. Cryer, R. et al. *An introduction to international criminal law and procedure*. Cambridge University Press, 2010.
18. Evans, E. P. *The criminal prosecution and capital punishment of animals*. William Heinemann, 1906.

Articles

19. Cassese, A. "Amicus Curiae Brief of Professor Antonio Cassese and Members of the Journal of International Criminal Justice on Joint Criminal Enterprise Doctrine." *Criminal Law Forum*, Vol. 20, No. 2-3, 2009, Springer Netherlands.
20. Cassese, A. "The proper limits of individual responsibility under the doctrine of joint criminal enterprise." *Journal of International Criminal Justice*, 5(1), 2007.
21. Manacorda, S., & Meloni, C. "Indirect perpetration versus joint criminal enterprise: Concurring approaches in the practice of international criminal law?" *Journal of international criminal justice*, 9(1), 2011.
22. Ohlin, J. D. "Three conceptual problems with the doctrine of joint criminal enterprise." *Journal of International Criminal Justice*, 5(1), 2007.
23. Olasolo, H. "Joint criminal enterprise and its extended form: A theory of co-perpetration giving rise to principal liability, a notion of accessorial liability, or a form of partnership in crime?". *Criminal Law Forum*, Vol. 20, No. 2-3, 2009, Springer Netherlands.

Thesis

24. Jayangakula, K. *Is the Doctrine of Joint Criminal Enterprise a Legitimate Mode of Individual Criminal Liability? – A Study of the Khmer Rouge Trials*. Master of International Human Rights Law, Lund University, 2010.
25. Moyo, U. *The development of indirect co-perpetration by the International Criminal Court and the extent to which its development accords with the principle of legality and the principle of individual culpability*. Master of International and European Public Law Thesis, Tilburg University, 2013.

Case Law

26. Prosecutor v. Dusko Tadic, IT-94-1-A, Appeal Judgment. (Int'l Crim. Trib. for the Former Yugoslavia July. 15, 1999).
27. Prosecutor v. Miroslav Kvočka, et al, IT-98-30/1-A, Appeal Judgment. (Int'l Crim. Trib. for the Former Yugoslavia Feb. 2, 2005).
28. Prosecutor v. Radoslav Brdanin, IT-99-36-A, Appeal Judgment. (Int'l Crim. Trib. for the Former Yugoslavia Apr. 3, 2007).